



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

180

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

1389 آذر 10 - دسامبر 2010

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

سر دبیر: سیاوش دانشور

## در ۱۶ آذر

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، رفاه



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

در نقد بیانیه مشترک

دو سندیکا در مورد اصلاح قانون کار  
شاهدی دیگر بر مماشات جویی سندیکالیسم!



صفحه 5

آذر ماجدی

## تروریسم، پی آمدها و مخاطرات

ترورهای روز دوشنبه در تهران با هر سناریویی توضیح داده شود در این نکته که تروریسم بیش از پیش به یک فاکتور موجود در سیر اوضاع سیاسی ایران تبدیل میشود تردیدی نباید داشت. در یکسال گذشته ترورهای متعددی در سنندج، مهاباد، تهران و ... صورت گرفته است. اگرچه نمیتوان کلیه این ترورها را به یک خط واحد منتسب کرد اما قابل مشاهده است که بتدریج سیاست ترور و خط مشی تروریستی بعنوان یک فاکتور جدید خود را به جامعه و وضعیت سیاسی تحمیل میکند.

اولین سوالی که ممکن است طرح شود اینست که مگر تروریسم چه بعنوان خط مشی و چه بعنوان یک تاکتیک در جریانات چریکی مذهبی و غیر مذهبی قبل از انقلاب 57 و بعد آن و یا بویژه توسط حکومت اسلامی طی سه دهه گذشته وجود نداشته است؟ مگر نه اینست که در دوره ریاست جمهوری هر کدام از حضرات موجی از ترور و قتل وجود داشته است؟ چرا این ترورها ادامه آن نیست؟ در پاسخ چنین سوالی باید گفت اولاً جنبش و خط مشی چریکی محصول یک اوضاع مشخص جهانی با موازنه سیاسی - ایدئولوژیک معین و تمایلات ناسیونالیسم ضد امپریالیستی بود که منتهاست در سیاست ایران پرچمی فعال و اعلام شده ندارد. ثانیاً ترورهای جمهوری اسلامی اساساً علیه مخالفان سیاسی و بدستور سران و نهادهای سطح بالای نظام صورت گرفته است. برخی ترورهای درون حکومتی هم یا بنا به منافع وسیع تر نظام اسلامی و یا بدلیل رقابت باندهای حکومتی انجام شده است. اما ترورهای ایندوره که همه نوع قربانی از زن و کودک و کارگر و دانشجو و

صفحه 2

## سرکوب وحشیانه

کارگران اعتصابی راه آهن تهران!

گفتگوی کامران پایدار با یک کارگر  
مهر کام پارس ایران خودرو

## اروپا به کجا میرود؟



صفحه 8

پروین کابلی

شما نمونه  
خشونت اید!

در حاشیه نامه زهرا رهنورد

صفحه 11

شهرلا نوری

"واقع بینی"  
زهرا رهنورد



صفحه 13

سوسن علمی

در صفحات دیگر: کارگران نفت و گاز، کارگران عسلویه، اعدام شهرلا جاهد، و ...

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تروریسم،

### پی آمدها و مخاطرات ...

فعال سیاسی تا سردار سپاه و دکتر و استاد دانشگاه و مسئول حوزه و آخوند و امام جمعه دارد، در متن اوضاع ملتهب سیاسی خاصی صورت میگیرد و بتدریج به یک داده سیاست ایران تبدیل میشود. همانطور که قبلتر و طی روندی به داده سیاسی در عراق و افغانستان و پاکستان تبدیل شده است. فاکتوری که مستقل از انگیزه و هدف بلافصل این و آن فراکسیون حکومتی یا غیر حکومتی و یا سازمانهای امنیتی، تأثیرات بلافصلی در سیر تقابل جامعه با جمهوری اسلامی دارد و از زاویه منافع جنبشهای اجتماعی پیشرو یک عامل نامساعد محسوب میشود. باید خطر را دید و آگاهانه برای رفع آن تلاش کرد.

یک برخورد ژورنالیستی به این ترورها تمرکز روی قربانیان ترور و اهداف بلافصل ترور و امکانات فنی و عملی تروریستهاست. مثلاً این فرضیه که این ترورها بدنبال انتشار اسناد جدید ویکی لیکس و انحراف افکار عمومی از درز اطلاعاتی از بند و بست سازمانهای امنیتی صورت گرفته است. یا اینکه این ترورها محصول یک توافق سازمانهای امنیتی برای حذف عناصر مهم پروژه هسته ای جمهوری اسلامی اند. یا هدف اصلی این ترورها هموار کردن راه حمله نظامی به ایران است. این نوع فرضیات هر درجه حقیقتی در آن باشد یا نباشد، این اصل بدیهی را نقض نمیکند که در دوره جنگ تروریستها چنین عملیاتی ساده محسوب میشوند و نه فقط سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی بلکه گروههای مسلح تروریستی همواره مشغول آند. این فرضیات حتی آنجا که میتوانند به حقیقت نزدیک باشند هنوز این نکته را توضیح نمیدهند که تروریسم و سیاست تروریستی وقتی خود را به یک مبارزه

از سیاست است بلکه اساساً در خدمت سیاستهای راست و میلیتاریستی و ضد جامعه است.

تروریسم و خط مشی تروریستی نه فقط هیچ ربطی به آزادیخواهی کارگری ندارد بلکه سیاستی در خدمت منکوب کردن هر اعتراض سیاسی و اجتماعی و شکمی ملغی کردن دستاوردهای سیاسی و سنتهای مبارزاتی جنبش طبقه کارگر است. تروریسم ارزشی برای جان انسانها تا چه رسد به حقوق آنها قائل نیست. برای تروریسم و جریانات تروریستی جای شورا و سندیکا و تظاهرات و اعتصاب و تحزب و اعتراض سیاسی را قلدری و زورگویی و گانگستریسم و تهدید و تحمیق و باجگیری و ترور میگیرد. تروریسم با مدنیت و حفظ نفس جامعه و جدال سیاسی نیروهای اجتماعی و طبقاتی در تناقض است. منافع تروریسم در بی شکلی سیاسی و فضای ارباب است و تروریزه کردن جامعه گامی بلند در اینراه برای مشروع نشان دادن هر جنایتی است. تصور این سخت نیست که کسانی که امروز ویدئوی سر بریدن فلان پاسدار را به جهان مخابره میکنند، فردا اگر در دهاتی قدرت داشته باشند دست به سنگسار و اعدام و قتل عام های فجیع بزنند. مگر طالبانها نکردند؟

نتیجه بلافصل این ترورها گستراندن چتر اختناق و امنیتی تر کردن فضای جامعه و تلاش خشن برای ایجاد ارباب است. حکومتی که باید همواره نیروی نظامی اش در خیابان باشد چنین مواردی را به تخته پرش برای تحکیم اختناق و اعمال فشار به مخالفین سیاسی و گسترش حکومت نظامی تحت عنوان "برقراری امنیت" خواهد کرد. کسی منتظر روشن شدن جوانب این ترورها نباشد. همانطور که پرونده بقیه ترورها همچنان در تاریکی است. باید به تأثیرات سیاسی و پیامدهای بلافصل این اقدامات روی مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی فکر کرد و استفاده ای که جمهوری اسلامی از این اوضاع به نفع گسترش سرکوب سیاسی میبرد.

تروریسم امروز به یک داده سیاست ایران تبدیل شده است و منشا اصلی و سازمانده آن نیز نیروهای نظامی و اطلاعاتی و امنیتی خود جمهوری اسلامی اند. سکت های حاشیه ای و دست ساز تروریست تنها با امکانات و لجسنتیک نیروهای اطلاعاتی میتوانند گاه اقدامی در پوشش های دیگر صورت دهند. بهترین استفاده را از فضای تروریزه شده جمهوری اسلامی میبرد. در عین حال تبدیل شدن ترور و تروریسم به وسیله بقا و تقابل با مخالفین، بیانگر وارد شدن جمهوری اسلامی به بازی با آتش و اتکا عریان به مثنی آدمکش است که صریحاً ترور را بعنوان قانون سیاست اعلام کرده اند. وقتی جمهوری اسلامی تروریسم را به رکن بقای حکومت و ابزار تقابل با مخالفین و تسویه درون حکومتی تبدیل میکند، این انتظار که علی الاابد حتی مسالمت جوین اسلامی با شاخه زیتون و پرچم پوچ اجرای قانون اساسی به استقبالش بروند بیجاست. تداوم این سیاست به جدالهای خونین درون حکومتی و پاشیدن و سقوط نظام اسلامی منجر میشود. شاید هم این رویدادها شروع سناریویی است که صفار هرندی آنرا "شروع جنگ داخلی" نام گذاشته بود. این راه با هر کش و قوسی "راه بدون بازگشت" است.

#### چه باید کرد؟

جنبش کمونیستی و آزادیخواهانه طبقه کارگر، زنان، نسل جدید و مردمی که برای آزادی و برابری و رفاه مبارزه میکنند، از فضای کنونی و تعمیق آن بیشترین لطمات را خواهند دید. برای تقابل باید ماهیت و اهداف ارتجاعی و کثیف سیاست تروریستی را افشا کرد. علیه سیاست ارباب جنگید و آن را به ضد خود تبدیل کرد. پاسخ نسخه فقر و اختناق و ترور را با کوتاه نیامدن برای تشکل و مبارزه برای آزادیها و حقوق پایه ای گسترش داد. فشار برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام را بالا برد، در شوراها متشکل شد و با گسترش مبارزه آزادیخواهانه سیاست اختناق و

## تروریسم، پی آمدها و مخاطرات ...

ترور را در هم کوبید.

تروریسم یک خط مشی ارتجاعی و ضد کارگری و سیاسی ضد اجتماعی و فرقه ای است. جنبش رهائی بخش کمونیستی کارگران بعنوان جنبشی با مسئولیت اجتماعی، نه فقط خط مشی تروریستی را محکوم و علیه منافع خود و جامعه میداند بلکه یک هدف مبارزه کمونیستی پایان دادن به سلطه نیروهائی است که در دوره های مختلف با اتکا به ترور و سرکوب و اختناق چرخ های نظام ننگین سرمایه داری را چرخانده اند. ما در قبال این رویداد قبل از هر مسئله بر هوشیاری بیش از پیش مردم تاکید داریم. هدف جمهوری اسلامی و جریانات باند سیاهی تروریستی داخلی و خارجی اینست که جنبش آزادیخواهان را از صحنه سیاست بیرون کنند، دست به تسویه های وسیع تر مخالفین از هر سو بزنند، و بحران حکومتی را در متن یک اوضاع فوق العاده و سرکوب و بند و بست مهار کنند.

تا به موضوع نفی تاثیرات مخرب این ترورها بر اوضاع سیاسی و همینطور تقابل با تروریسم بطور کلی مربوط است، پاسخ و کلید دست طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران است. باید این حکم را قویا تکرار کرد که عروج جنبش آزادیخواهان طبقه کارگر و اکثریت مردم منجز از حکومت اسلامی، بساط تروریست های متفرقه را جمع میکند و دنیا را متوجه مهمترین نیروی واقعی علیه تروریسم بین المللی میکند. \*



## شاهلا جاهد را کشتند!

بامداد امروز در زندان اوین، طی مراسم شنیعی که برآستی دون شان بشریت است، شاهلا جاهد را بدنبال سالهای طولانی زندان بدار کشیدند. از قاضی تا میرغضب و اسلامیونی که با خون ریختن و آدم کشتن آرامش درونی می یابند، جمع شدند که زنی زندانی را بکشند تا به دنیا بگویند در این مملکت اسلام حکومت میکند. در این مراسم شنیع خانواده مقتول و وکیل مدافع شاهلا حضور داشتند. در اخبار گفته اند "فرزند لاله علیرغم گریه های مدام و جیغ و فریادهای وی صندلی اعدام را از زیر پای شاهلا کشید." فرزند لاله مجرم نیست این اسلام است که از خانواده قربانی قاتل میسازد و شریک در جنایت میکند. این سلطه ارتجاعی "قصاص" و "خون در مقابل خون" است و مادام که این حکومت سرکار است وضع بدتر هم میشود. شاهلا را نه بخاطر "اجرای عدالت" بلکه برای پابرجائی اصل آدمکشی دولتی کشتند. شاهلا را کشتند تا پایه های حکومت اعدام را تحکیم کنند. شاهلا قربانی نظام اسلامی ضد زن شد. به خانواده و بستگان و دوستان شاهلا صمیمانه تسلیت میگویم. این نمایش مضحک بر گسترش مبارزه برای لغو مجازات اعدام و سرنگونی حکومت های مدافع اعدام تاکید میکند. سردبیر.

## نظامی کردن دانشگاهها در آستانه 16 آذر سیاستهای کهنه و شکست خورده

بنا به خبر دریافتی، محیط دانشگاه های آزاد نجف آباد و خمینی شهر و خوراسگان و دهقان اصفهان توسط بسیج بشدت نظامی شده است. همینطور مقابل ورودیه های دانشگاهها اوباش مستقر شده اند و ورود دختران به این دانشگاه ها کلا بدون چادر غیر ممکن است. در تلاش دیگری برای اسلامیزه کردن دانشگاهها، اکثر کلاس ها را هم جدا کرده اند و کلاس مختلط حتی به روال سابق که دختر و پسر در دو سمت کلاس نشاندن میشدند خیلی کم برگزار می شود. یک اقدام دیگر تلاش مذبحخانه عضوگیری برای بسیج دانشگاه است. به دانشجویانی که عضو بسیج بشوند 15 درصدی تخفیف شهریه می دهند! ولی با وجود شهریه های بالا، ترمی یک میلیون تومان تا سه میلیون تومان در رشته های مختلف، هیچ استقبالی از این طرح کثیف نشده است.

این سیاستهای ارتجاعی بارها امتحان شده و شکست خورده است. خودشان هم میدانند. هدف آنها ایجاد فضای رعب در دانشگاهها برای از سرگرداندن 16 آذر است. آنها از دانشجویان رادیکالی ترسیده اند که تلاش دارند در اینروز تریبون خواستهای واقعی جامعه شوند. دانشجویان کمونیست خیلی وقت پیش اعلام کردند که دانشگاه پادگان نیست، مسجد نیست، گورستان نیست، حوزه نیست، زندان زنان نیست. دانشجویان بسیار پیش تر علیه آپارتاید جنسی و نابرابری و سرکوب و اختناق صدایشان را بلند کرده اند. امسال نیز تلاش میکنند که صدای جامعه باشند. علیه فلاکت و بردگی طبقه کارگر اعتراض کنند؛ خواهان لغو طرح حذف سوبسیدها شوند، آزادی و برابری و رفاه همگان را فریاد زنند، برای آزادی دانشجویان در بند و همه زندانیان سیاسی و علیه اختناق و فقر بمیدان بیایند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

9 آذر 1389 - 30 نوامبر 2010

## آثار

### منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی  
جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را  
امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت  
یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)



## در ۱۶ آذر مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، برابری، رفاه

است اما شکست نخورده اند. همچنان در تکاپو اند. کماکان در کمین نشسته اند تا خود را از شر این بختک اسلامی خلاص کنند.

تلاش برای کنترل و مهار کردن اعتراضات دانشجویان محدود به جناح حاکم رژیم اسلامی نیست. جناح اصلاح طلب حکومتی و کل جنبش سبز هم می‌کوشد این پتانسیل مبارزاتی را در چهارچوب قانون اساسی رژیم اسلامی به اسارت بکشد و به غروندهای بی محتوا و پوچ درون رژیمی تبدیل کند. مقابله با خواست سرنگونی طلبی توده های مردم یک رکن مهم تلاش اصلاح طلبان حکومتی و دنبالچه های اکثریتی و توده ای و مشروطه خواه آنها در جامعه است. اما این تلاشها نیز از جانب مردمی که نه برای اصلاح و تعدیل رژیم اسلامی بلکه برای نابودی آن به میدان آمده اند، شکست خورده و این جنبش ارتجاعی را تماما در بن بست قرار داده است.

۱۶ آذر همواره جایگاه ویژه ای در اعتراضات دانشجویان داشته است. اعتراض به استبداد و سرکوب سیاسی و بی عدالتی یک سنت دیرینه مبارزاتی این روز است. اما چند سالی است که ۱۶ آذر با پرچم سرخ آزادیخواهی، برابری طلبی، رفاه و سوسیالیسم نمایندگی میشود. امسال نیز علیرغم سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی در سال گذشته، علیرغم بگیر و ببند فعالین رادیکال و کمونیست دانشجویی، علیرغم میلیتاریزه کردن محیط دانشگاهها باید همین پرچم را در ابعاد اجتماعی به اهتزاز در آورد.

رژیم اسلامی در هراس از شکل گیری دور جدیدی از اعتراضات دانشجویان و توده های مردم از هم اکنون خود را با تمام قوا آماده کرده است. بسیاری از مراکز علمی و آموزشی را عملاً قرق کرده و اوباش انتظامی خود را در آن مستقر کرده است. دستگیری ها و تهدیدها افزایش یافته است. در عین حال میدانند که ماشین سرکوب شان نتوانسته است به اهداف خود دست یابد. گرفتند، زدند، شکنجه کردند و کشتند ولیکن نتوانستند اراده و عزم دانشجویان و توده های مردم را برای سرنگونی رژیم اسلامی در هم بشکنند. نتوانستند گورستان اسلامی شان را بر جامعه حاکم کنند. با جامعه و مردمی مواجهند که علیرغم اینکه سرکوب شده

دانشجویان و مردم آزادیخواه! دور جدیدی از اعتراضات علیه رژیم اسلامی را باید سازمان داد. ۱۶ آذر میتواند یک نقطه پرش دیگر باشد. در ۱۶ آذر

به میدان بیانید. نگذارید طرح فوق ارتجاعی "جداسازی جنسیتی" را در دانشگاهها پیاده کنند. اجازه ندهید دانشگاهها را به پادگان نظامی و حوزه های آخوندی و زندان زنان تبدیل کنند. خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، آزادی دانشجویان دستگیر شده و کارگران زندانی شوید. خواهان در هم شکستن طرح ارتجاعی "هدفمند کردن پارانها" ها" شوید. چشمهای بسیاری به تحرک و تلاش شما در این روز دوخته شده است!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری  
9 آذر 1389 - 30 نوامبر 2010

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!  
کارل مارکس

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت



کرده اند و مدعی شده اند که اصلاح آن مطابق "نسخه های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی" انجام گرفته است. و همراه با این اصلاح شرایط دیکته شده این نسخه ها "که برای استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان دنیا به نفع عده ای قلیل ارایه گشته" تازه دارد "این روزها به دروازه های میهن عزیزمان ایران" می رسد!

در ادامه این موضع می خوانیم:

"در این اصلاحیه حتی شوراهای اسلامی به یک نماد بی خاصیت که تنها نظاره گر پایمال شدن حقوق کارگران است بدل گردیده و طراحان این اصلاحیه، ماده ۳۳ قانون کار ضدکارگری محمدرضاشاه را دوباره زنده کرده و به کارفرمایان حقوقی بیشتر از زمان ستم شاهی برای اخراج بی قید و شرط داده است، که این نقض آشکار مقدمه قانون اساسی بخصوص سپردن سرنوشت مردم بدست خودشان می باشد. آنچه اعتراض زحمتکشان را در سراسر دنیا برانگیخته است، توصیه سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول به دولت هاست که از هر قانونی که به نفع طبقه کارگر باشد جلوگیری شود. در کشور ما نیز برای آنکه خیال کارفرمایان و سرمایه داری انگل تجاری راحت شود زمزمه انحلال سازمان تامین اجتماعی، تعاونی های مصرف و مسکن به گوش می رسد و با واردات بی رویه، نابودی زیرساخت های کشور را نشانه گرفته اند. ... ما نخواهیم گذاشت آنچه

در نقد بیانیه مشترک دو سندیکا در مورد اصلاح قانون کار

## شاهدی دیگر بر مامشات جویی سندیکالیسم!

آذر ماجدی

کار رژیم اسلامی آمدم بهتر و منصف تری از سارکوزی رئیس جمهور فرانسه است، که این بیانیه برای نشان دادن سقوط او، او را با سارکوزی مقایسه می کند! ثانیاً، گویی سرمایه صنعتی در ایران کارگر را استثمار نمی کند، گویی کارگران در عسلویه و شرکت گاز و نفت، در معادن، در کارخانه ها استثمار برده وار نمی شوند و فقط سرمایه "تجاری انگلی" و نهادهای سرمایه بین المللی مقصر اند.

در همین یک پاراگراف کوتاه، آنچنان مواضع ضد کارگری، ناسیونالیستی، در دفاع از "اسطوره بورژوازی ملی" و همچنین در دفاع از رژیم اسلامی با صراحت بیان شده است که گرایش نویسندگان بیانیه مشترک دو سندیکا را در تلاش برای مامشات با رژیم اسلامی و ایفای نقش سویاپ اطمینان، کاملاً میتوان تشخیص داد. کمونیسم کارگری نقد های بسیار عمیقی از سندیکالیسم ارائه داده است. اما این بیانیه حتی نمی کوشد بشکلی پوشیده و ظریف از بورژوازی صنعتی داخلی و رژیم اسلامی دفاع کند. نویسندگان این بیانیه گرایشی را نمایندگی میکنند که عملاً مدافع بورژوازی صنعتی داخلی و رژیم نماینده آن درون طبقه کارگر اند؛ نه بالعکس، نه نماینده طبقه کارگر در مقابل بورژوازی و حکومت آن.

نویسندگان این بیانیه ظاهراً نقدی به قانون کار اسلامی ندارند. با این حقیقت که قانون کار اسلامی، قانون بندگی کارگران است توافق ندارند. این واقعیت که این قانون حق تشکل، حق اعتصاب، حق اعتراض و حق تجمع را از کارگران سلب می کند، مورد نقد آنها قرار نمی گیرد. زیرا نقد خود را نه متوجه قانون کار، بلکه فقط اصلاح آن

"نسخه های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی که برای استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان دنیا به نفع عده ای قلیل ارایه گشته، این روزها به دروازه های میهن عزیزمان ایران رسیده است. از سخنرانی سارکوزی رئیس جمهور فرانسه که اعلام می کند زحمتکشان فرانسه باید ریاضت اقتصادی را تحمل کنند تا کسب و کار و سرمایه گذاری در فرانسه رونق بگیرد با این سخنان وزیر کار که تشویق سرمایه گذاری و بهبود فضای کسب و کار از رویکردهای لایحه اصلاح قانون کار است، چه تفاوتی می کند؟ ... ما کارگران به نسخه های خانمان برانداز صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی که نابودی اقتصاد ملی و غارت ثروت ملی امان را با هم دستی سرمایه داری انگل تجاری داخلی نشانه رفته است، مخالف هستیم".

همین یک پاراگراف از این بیانیه کافیت تا تلاش آنرا برای توهم پراکنی و آرام کردن کارگران درک کرد. اولاً دارد فقر و فلاکت و بدبختی مزمی که گریبان طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را گرفته به گردن "بیگانه ها" می اندازد. مقصرین این وضعیت را نه جمهوری اسلامی و سرمایه داران "ایرانی" بلکه صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی قلمداد می کند. گویی نرخ استثمار در ایران بسیار پایین بوده است و تحمیل نسخه های این دو نهاد سرمایه داری بین المللی، دارد نرخ استثمار را در ایران افزایش می دهد! گویی وزیر

اخیراً سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک بیانیه مشترکی صادر کرده اند تحت عنوان "اصلاح قانون کار نابودی دستاوردهای زحمتکشان است." این بیانیه نه تنها سندی در دفاع از حقوق و معیشت طبقه کارگر نیست، بلکه مملو است از توهم پراکنی نسبت به قانون کار اسلامی، به بورژوازی "خودی" یا "ملی"، به قانون اساسی رژیم اسلامی و حاکمیت دو دهه اول این نظام سرکوبگر و جنایتکار. تزه های اصلی این بیانیه بر مبنای کاهش توقع طبقه کارگر و زحمتکشان تا حد یک زندگی بخور و نمیر و بیحقوقی مسلم است.

این بیانیه آنچنان از قانون کار اسلامی دفاع می کند و نقض آنرا منطبق با فقر و بندگی طبقه کارگر میخواند که اگر کسی این قانون را نخوانده باشد یا از وضعیت جامعه، فقر گسترده و بردگی بخش اعظم مردم، از زندگی زیر خط فقر بیش از نیمی از جامعه، سرکوب کارگران بخاطر مطالبه حق پایه ای دریافت دستمزدهایشان اطلاع نداشته باشد، تصور خواهد کرد که ایران کشوری تحت حاکمیت سوسیال دموکراسی در دوران شکوه آنست و اکنون تحت نسخه صندوق بین المللی پول، حقوق کارگری و رفاه اجتماعی دارد سلب می شود. نقطه عزیمت این بیانیه حفظ قانون کار اسلامی و ستایش آن است. به این بخش از بیانیه دو سندیکا توجه کنید، انسان حاج و واج می ماند که نویسندگان این بیانیه آیا در ایران تحت رژیم اسلامی زندگی می کنند یا فقط دستی از دور بر آتش دارند!



## شهلا جاهد به قتل رسید!

سحرگاه چهارشنبه 10 آذر، شهلا جاهد پس از تحمل نه سال زندان و شکنجه توسط رژیم آدمکش اسلامی به قتل رسید. در هفته های اخیر که رژیم اسلامی خبر اعدام قریب الوقوع شهلا جاهد را منتشر کرده بود، بسیاری در ایران و جهان برای آزادی او تلاش خود را گسترش دادند. در نه سال اخیر کمپین های بین المللی، از جمله توسط سازمان آزادی زن، برای نجات شهلا سازمان یافته بود. رژیم اسلامی که از انزجار مردم در سراسر جهان نسبت به جنایت و قساوت خویش آگاه است، طی این سال ها یک بازی تنفر انگیز و مرگبار را با شهلا جاهد و مردم آزادیخواه و انسان دوست برآه انداخته بود. بارها خبر اعدام این زن جوان انتشار یافت و سپس تکذیب شد. اما بالاخره، امروز صبح طناب دار اسلامی بر گردن این زن انداخته شد.

رژیم اسلامی، نظام سرکوب و کشتار، قصاص و خفکان، زن ستیزی و عقب ماندگی قرون وسطایی است. امروز فقط شهلا جاهد اعدام نشد، پسر نوجوان لیلا سحرخیزان نیز به انجام یک عمل غیرانسانی گمارده شد. پسر نوجوان لیلا سحرخیزان صندلی را از زیر پای شلهای گریبان و آشفته حال کشید. لابد، قرار است که این پسر پس از باصطلاح "انتقام" مرگ مادر احساس آرامش و رضایت کند! اما ذهن و وجدان او برای همیشه در عذاب این عمل ضد انسانی اسیر خواهد ماند. مرگ بر این نظام ضد بشری جنایتکار که با جان و وجدان انسانها این چنین بازی می کند. ناصر محمد خانی که شهلا جاهد را پنهانی "صیغه" کرده بود نیز بعنوان شاهد قتل شهلا و مرگ معصومیت انسانی پسر نوجوانش در محل حضور داشت. مرگ بر این نظامی که این چنین جامعه را به قهقرا کشیده است. مرگ بر این نظامی که جز قتل و سرکوب، فساد و دزدی، کشتار و تحمیل فقر و فلاکت و بدبختی بر میلیون ها نفر هنر دیگری ندارد.

سازمان آزادی زن ضمن محکوم کردن این جنایت، به خانواده شهلا جاهد و تمام انسان هایی که در این سال ها با جدیت برای نجات او کوشیدند، صمیمانه تسلیت می گوید. مبارزه ما علیه این رژیم آدمکش و زن ستیز تا سرنگونی آن ادامه خواهد داشت. باید این رژیم را به زیر کشید و تمام سردمداران و دست اندر کاران آنرا به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد.

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن، در یادبود شهلا جاهد و در محکومیت رژیم اسلامی یک ویدیو بلاگ تهیه کرده است که در لینک زیر قابل مشاهده است:

<http://www.youtube.com/watch?v=tfksv7NsRJK>

زنده باد آزادی زن!

آزادی، برابری، رفاه

سازمان آزادی زن

10 آذر 1389

## شاهدی دیگر بر مماشات جویی سندیکالیسم ...

مطالبات کارگران نیست. در دوره سالهای بعد انقلاب و سرکوب خونین آن و تصفیه رهبران رادیکال کارگران و انحلال شوراهای، نهایتاً رژیم اسلامی در تدوین قانون کار که مدتها طول کشید و چند بار تغییر کرد، در ظاهر سازش هایی با کارگران میکرد اما در هر مورد عملاً کارگر را از هر حقی محروم میکرد. کارگران همواره و به قدمت این قانون ننکین خواهان الغای آن بودند. طبقه کارگر ذره ای نفع در ابقاء و اجرای این اسناد ضد کارگری ندارد. رهبران عملی رادیکال و پیشرو و حزب اتحاد کمونیسم کارگری، این تلاش های مماشات جویانه و توهم پراکنانه درون طبقه کارگر را قاطعانه افشاء خواهند کرد.

طبقه کارگر خواهان یک جامعه آزاد، برابر و مرفه برای همگان است. چنین جامعه ای یک جامعه سوسیالیستی است. پیشروان رادیکال طبقه کارگر آگاهند که برای رسیدن به اهداف و آرمان هایشان باید رژیم اسلامی را به همراه نظام سرمایه داری به زیر کشید. باید سرمایه داخلی و خارجی را با هم واژگون کرد. "بورژوازی ملی خودی" نزد طبقه کارگر یک اسطوره بیش نیست. سازماندهی یک انقلاب کارگری برای سرنگونی سرمایه داری و رژیم اسلامی و برپایی یک جمهوری سوسیالیستی، نظامی که حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آن مبارزه می کند، تنها ضامن دستیابی به آزادی، برابری و رفاه همگانی است. کارگران باید برای دستیابی به خواست های رفاهی و حقوق پایه ای شان در شوراهای کارگری متشکل شوند و مجامع عمومی خود را بطور روتین تشکیل دهند. کارگران سوسیالیست باید برای سازماندهی یک انقلاب کارگری به حزب خود، حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندند. \*

دستاوردهای یکصدساله مبارزات خونین پدرانمان است با توصیه های سرمایه داری جهانی و تهاجم سرمایه داری انگل تجاری داخلی، از بین برود".

این بیانیه نهاد ضد کارگری شوراهای اسلامی را تلویحاً بعنوان نهادی که پیش از این از حقوق کارگران دفاع می کرده، قلمداد می کند. به گونه ای از این تغییرات سخن می گوید که گویی پیش از این "اصلاح" اخیر، وضعیت طبقه کارگر و مردم زحمتکش قابل تحمل و رضایت بخش بوده است. گویی وضعیت طبقه کارگر تحت حاکمیت رژیم اسلامی از نظام استثمار و سرکوب سابق بهتر بوده است. توهم به قانون کار اسلامی محدود نمی شود، قانون اساسی رژیم اسلامی که مورد دفاع و ستایش اصلاح طلبان حکومتی، در راس آن موسوی و شرکاء است، مورد تعریف و تمجید قرار می گیرد. گویی اگر طبق حرف موسوی، رژیم اسلامی قانون اساسی اسلامی را پیاده کند، حق تشکل آزادانه طبقه کارگر برسمیت شناخته می شود؛ اوضاع اقتصادی و رفاه مردم بهبود پیدا می کند و استثمار کاهش می یابد. شرایطی بوجود می آید که طبقه کارگر فرانسه باید حسرت آنرا بخورد و بکوشد سارکوزی را به نفع یک رژیم اسلامی و قانون اساسی و کار اسلامی سرنگون کند!

ظاهراً، نزد نویسندگان این بیانیه، قانون اساسی و کار اسلامی "دستاورد یکصد سال مبارزات خونین پدران" شان بوده است. حتماً نویسندگان این بیانیه میدانند که در اولین نسخه قانون کار جمهوری اسلامی، تدوین کنندگان این قانون حتی حاضر نبودند اسم "کارگر" را بیاورند. کارگران اساساً اعتراض شان این بود که در تدوین این قانون نقشی نداشته اند و پاسخگوی

## اطلاعیه دوم کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

### لیست کاندیداهای انتخابات سراسری

30- مریم کوشا	14- فخری جواهری	<b>لیست کاندیداهای انتخابات سراسری</b>  1- بهار ابراهیمی 2- هما ارجمند 3- لیلا احمدی 4- محمود احمدی 5- جمال ارژنگ 6- توحید اقدامی 7- صادق امیر رحمانی 8- احمد بابایی 9- جلیل بهروزی 10- اهورا پارسا 11- کامران پایدار 12- مجید پستانچی 13- علی جوادی	رفقا، در زیر لیست کاندیداهای انتخابات سراسری کنگره اول را مشاهده می کنید. بزودی اوراق انتخاباتی همراه آئین نامه انتخابات برای تک تک اعضا ارسال خواهد شد. پس از روشن شدن نتیجه انتخابات سراسری، انتخابات تشکیلات های مختلف برگزار خواهد شد. لطفا اگر تا دو هفته آینده، یعنی تا 15 دسامبر یا 25 آذر ماه اوراق انتخاباتی را دریافت نکردید، بلافاصله با دبیر تشکیلات تان یا با ایمیل زیر تماس بگیرید.
31- مهرداد کوشا	15- سیاوش دانشور		wup.congress@gmail.com
32- عباس کیاسا	16- نوید ذکریایی		<b>کمیته تدارکات کنگره اول</b>
33- آذر ماجدی	17- سیامند رحمانی		اول دسامبر 2010- دهم آذر 1389
34- سیامک مرادی	18- نسرين رمضانعلی		
35- سعید مدانلو	19- بابک زحمتکشان		
36- فریدون ناظمی	20- جهان صادقی		
37- مریم نریمانی	21- علی طاهری		
38- بهرام نظری نیا	22- مهدی طاهری		
39- پدram نواندیش	23- سیاوش عباسی		
40- شراره نوری	24- پروانه عسکریان		
41- شهلا نوری	25- فریبرز علالدین		
42- کریم نوری	26- سوسن علمی		
	27- جمشید عزیزی		
	28- سیروان قادری		
	29- پروین کابلی		

### ساختار خشونت مردسالارانه

#### کنفرانسی در بیروت، لبنان

در روزهای سه شنبه و چهارشنبه 23 و 24 نوامبر 2010 کنفرانسی تحت عنوان "ساختار خشونت مردسالار علیه زنان: ایجاد صلح و امنیت انسانی" توسط "انجمن نجده" و با همکاری فروم زنان عرب (عایشه) و ابتکار فمینیستی اروپا در شهر بیروت، لبنان سازمان یافت. آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن بعنوان سخنران به این کنفرانس دعوت داشت. از آنجا که آذر ماجدی نتوانست در کنفرانس در شهر بیروت حضور بهم رساند، لذا سخنرانی خود را تحت عنوان "ریشه خشونت و تبعیض جنسی" برای کنفرانس ارسال کرد که در میان حاضرین در کنفرانس توزیع شد و در کتاب سخنرانی ها و اسناد کنفرانس نیز منتشر خواهد شد.

طبق گزارش سازماندهندگان، کنفرانس بسیار موفقیت آمیز بود و با استقبال گرم روبرو شد. بدنبال کنفرانس جلساتی میان سه سازمانی که در سازماندهی کنفرانس نقش داشتند تشکیل شد و طی آن بر همکاری های آتی تاکید گذاشته شد.

ترجمه سخنرانی آذر ماجدی را در شماره آتی نشریه ملاحظه خواهید نمود.

سازمان آزادی زن

29 نوامبر 2010

## اروپا به کجا میرود؟

پروین کابلی



نارضایتی از اوضاع اقتصادی بار دیگر احزاب راست را که با شعار "نجات ملت و مملکت" به میدان آمده اند به صحنه سیاست بازگردانده است. در سالهای اخیر احزاب بزرگ و سنت دار قدیمی مانند سوسیال دموکراسی که منادی دولت های رفاه بودند و چندین دهه قدرت سیاسی را قبضه کرده بودند، قدرت را به تدریج در تمام اروپا به احزاب دست راستی واگذار کرده اند. در بسیار از کشورها از جمله هلند، اتریش، فرانسه، سوئد و دانمارک جریانهای افراطی راست و نژاد پرست با شعارهای بیگانه ستیز توانسته اند به پارلمان راه باز کنند.

چپ اروپا عملاً نتوانسته است به آلترناتیوی در مقابل چنین اوضاعی تبدیل شود. بسیاری از احزاب که قبلاً خود را وابسته به بلوک شرق و شوروی میدانستند تلاش می نمایند برای گذشته چپ خود چاره ای بیندیشند. اما هیچکدام از این فاکتورها به معنای عدم وجود و حضور نیروهای رادیکال و پتانسیل یک رادیکالیسم اجتماعی و اعتراضی به سرمایه داری نیست. اما این رادیکالیسم در اشکال سازمانیافته هنوز در نطفه های ضعیفی این جا و آنجا خود را نشان میدهد و هنوز فاقد حزب و یک سیاست و استراتژی کمونیستی و جهانشمول است. امری که کمبود آن شدت حس میشود.

سوال این است که در چنین اوضاعی اروپا به کجا میرود؟

29 نوامبر 2010

ورشکستی اسپانیا مدتهاست که در جریان است. در ایتالیا اتحادیه ها برای اعتراض به جنب و جوش افتاده اند و پرتقال نمیداند چگونه برای گرفتن وام از دیگران جلو بزند و دولت آلمان در حال برنامه ریزی اقتصادی دوران بحران است و بدون سر و صدا در اولین اقدام بودجه بسیاری از موسسات را کم کرده اند و بسیاری از خدمات اجتماعی را محدود نموده اند. ایسلند هنوز با بحران در حال کشتی گرفتن است. سوئد و بسیاری دیگر نظاره گر این اوضاع هستند و میخواهند بدانند که این موج چگونه به آنها میرسد.

چهره مرفه اروپا بتدریج در حال تغییر است. حمله به سطح معیشت مردم روز به روز خود را نمایان تر نشان میدهد. بیکاری و فقر در میان اقشار فقیر گسترش بیشتری میابد. در شهرهای بزرگ همچون پاریس و لندن فقر چهره خود را در خیابان ها رسماً نشان میدهد. کم نیستند تعداد خانواده هایی که قادر به پرداخت هزینه وامهای مسکن نیستند و مجبور به ترک خانه های خود میشوند. بودجه مدارس دولتی در حال کاستن است. بیمارستانها در بسیاری از کشورها مجبور به بستن بخشی از خدمات خود شده اند و یا آن را به بخش خصوصی واگذار کرده اند. سیاست ریاضت اقتصادی در همه کشورها یک پلاتنوم تقریباً واحد را دنبال میکند. تفاوتها در نحوه و مراحل اجرا است. همه جا سیاست اینست که فشار را باید روی دوش کارگران گذاشت، خدمات درمانی و اجتماعی را محدود و یا خصوصی کرد، دستمزدها را کاهش داد یا منجمد کرد، قوانین استخدام و غیره را به نفع سرمایه دار تغییر داد، و اکثریت جامعه را هر روز بیشتر مورد تهاجم قرار داد. تلاش برای انتقال سرمایه ها به کشورهای هائی که سطح دستمزدها پائین تر است ادامه دارد. بیکاری مثل طوفان سهمگین زندگی خانواده های کارگری را نابود میکند.

اما این تنها اوضاع اقتصادی نیست که این چنین در حال تغییر است. چهره سیاسی اروپا هم در حال تغییراتی بسیار جدی است.

استثمار بیشتر کارگران در ایرلند بانکداران و سرمایه داران بزرگ بتوانند سودشان را جبران کنند. این دزدی آشکار را عملیات "نجات ایرلند" نام گذاشتند. درست مثل عملیات "آزادی عراق" که جامعه ای را تحت این نام به وحشیانه ترین شکل نابود کردند.

این یک پروسه آشناست و به نظر میرسد که این سناریو در بسیاری جاها قرار است تکرار شود. هتلهای محل تصمیم گیری ممکن است فرق کنند اما تصمیمات در همه جا یکسان است. این همان اتفاقی است که یک سال پیش برای یونان افتاد. صحنه بعدی اعتراضات مردم و شورشهای خیابانی است. تظاهرات و شورش های خیابانی یونان جزو صحنه هائی است که فعلاً از پادها نخواهد رفت. همین اتفاق در فرانسه هم افتاد. ابتدا شورش جوانان بیکار آنچنان گسترده بود که ماهها فرانسه در آتش میسوخت. بعد از آن وقتی دولت سارکوزی موفق به شکست این جنبش شد به سراغ حمله به رفاه مردم رفت. کشمکش برای پائین بردن سطح معیشت ها و بالابردن سن بازنشستگی به یک کشمکش و جدال تقریباً دوساله تبدیل شد. اما اتحادیه های کارگری و سازمانهای مختلفی که پشت اعتصابات گوناگون بودند بدلیل محدودیت هایشان نتوانستند این مبارزه را به پایان موفقی برسانند.

در این صف ورشکستی اقتصاد تنها فرانسه، یونان و ایرلند قرار ندارد. هم اکنون ایتالیا، اسپانیا و پرتقال در صف ایستاده اند. زرمزه های

روز شنبه 28 نوامبر 2010 بیشتر از 50 هزار نفر از شهروندان ایرلندی در گردهمایی گسترده ای به تصیم دولت برای اعمال سیاست ریاضت اقتصادی اعتراض کردند. دولت ایرلند روز چهارشنبه با اقداماتی که تصویب نمود تصمیم دارد که کمبود بودجه وسیع دولتی را جبران نماید. دولت ایرلند نشان میدهد که چندین سال کمک به بانکهای ایرلند کافی نبوده و اکنون باید با کمک دیگر کشورهای اروپای متحد چاره ای برای "نجات ایرلند" اندیشید. اپوزیسیون قانونی و پارلمانی ایرلند معتقد است که دولت باید برود و انتخابات جدید در دستور کار قرار گیرد.

شرط وام دهی قبول شرایط وام دهندگان است. روز جمعه گذشته اروپای متحد تصمیم گرفت که با توجه به برنامه ای که دولت برای ریاضت اقتصادی در دستور کار خود قرار داده است به آنها وام دهد. ولی در وهله اول پارلمان باید متقاعد شود و به آن رای دهد. از برنامه هائی که دولت در دستور کار قرار داده است از جمله اینست که دستمزدهای کم باید کمتر شوند و بیش از 25 هزار شغل در بخش های خدماتی از بین می رود. به گزارش خبرگزاریها تصمیمات مربوط به برنامه نجات اقتصادی ایرلند و میزان وامهای که از کشورهای اروپای متحد، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول قرار است به ایرلند داده شود در یک هتل بسیار لوکس در دوبلین در حال انجام شدن بود. وزیران اقتصاد اروپای متحد روز یکشنبه در بروکسل گرد هم آمدند تا بتوانند هرچه سریعتر ایرلند را "نجات" دهند. این عبارت "نجات" هم جالب است. قرار است دولت سرمایه داری بتواند سرپا بایستد و با اعمال فقر و



## کارگران و حذف سوبسیدها

با یکی از کارگران مهرکام پارس ایران خودرو!

**کامران پایدار:** سلام و خسته نباشی و با تشکر از همراهی صمیمانه ات در این گفتگو. مایلم قبل از هر چیز از شرایط کاری خودتان بپرسم. تازگیها عوامل کارفرما در برخی قسمتها و خطوط تولید بر میزان شدت و حجم کار کارگران افزوده اند. جریان چیست؟ آیا کارگران راضی اند؟ آیا از بابت این افزایش کار دستمزدها را هم افزایش داده اند یا نه؟

**کارگر مهرکام پارس:** بله، در بخشهایی مانند سپر سازی بر حجم و میزان فشار کاری افزوده اند. البته این روزها از جانب کیانمهر مدیر مهرکام و شرکای دزدش فشار زیادی برای افزایش تولید و به زبان ساده تر فشار و تهدیدات روانی زیادی روی کارگران همه قسمتها گذاشته اند تا تولید را افزایش دهند. در قسمت سپر سازی و تزریق پلاستیک و ... حجم تولید روزانه را از روزی 100 قطعه به 140 قطعه رسانده اند. این افزایش کار فقط در زبان ساده است. باور کنید کارگرانی که تا همین چندی پیش 100 قطعه را هم به سختی تحویل می دادند حالا چطوری باید 140 قطعه را تحویل دهند؟ وحشتناک است و باور نکردنی! فشار کار را آنقدر زیاد کرده اند که آدم حتی برای آب خوردن و دستشویی رفتن هم زمان کم میاره. حالا حساب کنید کارگری که در 12 ساعت سنگین و فشرده کاری در شرایط فشار و پر استرس کاری، در شرایط فشارهای جسمی فرساینده و سنگین هی کار میکند و کار میکند. پس از اتمام یک شیفت 12 ساعته البته اگر اضافه کاری هم نکند به چه حال و روزی می افتد؟ حالا خودتان قضاوت کنید وقتی این کارگر خسته و کوفته و درمانده با جیب خالی و کابوس نداشتن پول برای پرداخت حتی

اجاره خانه و یا درمان بیماری خانواده اش و هزار بدبختی دیگر، آن هم با ترس از اخراج و بیکاری در فردا، با این شرایط جسمی و روحی نزد خانواده اش می رود چه وضعی داره! سخت و وحشتناکه، نه؟

این سرگذشت بیشتر از 3500 نفر کارگران مثل من در مهرکام پارس ایران خودرو است. بهترین ماشینها را می سازیم، همه چیز رو ما می سازیم اما برای نان شب و کرایه خانه و ... معطلیم. این یعنی حکومت اسلام و خدا! این یعنی خود خود حکومت اسلامی با همه دزدی و کتافتش! ببخشید از مسئله قدری پرت شدم. اصلا آدم از دست این جانین دزد عصبی میشه، آره، می گفتم، در قسمت سپر سازی و بخشهای دیگر کار را بشدت افزایش داده اند. متأسفانه کارگران هم بخاطر نداشتن اتحاد و همکاری و فقر و ترس از اخراج و ... هم تن به کار داده اند. اما خوشبختانه کارگران بخش تولید داشبرد سمند از دو هفته پیش تا امروز در برابر خواست کارفرما در باره افزایش تولید از 430 قطعه به 560 قطعه مقاومت جانانه ای کرده اند. کارگران دسته جمعی مخالفت کرده و با وجود تهدیدات کارفرما تا این لحظه تن به کار اضافی و تحمیلی نداده اند. در این روزها عوامل کارفرما بطور پنهانی تعدادی از کارگران قدیمی و با سابقه را کنار کشیده اما وعده های دروغ و تهدیدها کارساز نبوده و تا این لحظه کارگران به کار اضافی تحمیلی تن نداده و ظاهراً عوامل کارفرما با عقب نشینی گفته اند سقف تولید را به 560

قطعه میرسانیم اما با استخدام کارگران جدید! خوشبختانه این اعتراض اگر نتیجه بده یک الگوی خوب برای همه قسمتهاست. تا یادم نرفته اینها تا جایی که بتوانند کار را اضافه و اضافه تر میکنند اما در ازای کار اضافی خبری از پول نیست که نیست. فقط تا میتوانند مشتی وعده های پا در هوا و دروغ، مشتی مزخرف و جفنگ به جای نان شب تحویل ما کارگران میدهند.

**کامران پایدار:** تازگیها شیخ الاسلامی وزیر کار حکومت اسلامی سرمایه داران گفته میخواستیم نظام پرداخت دستمزد را برداریم و نظام پرداخت کار مزدی را برقرار کنیم. این جانور گفته در شرایطی که کارگر ساعت کاری روزانه اش را به کارفرما میفروشه دیگه سود و فایده کافی رو نداره و از این به بعد کارفرما باید فقط کار تولید شده کارگر رو بخره و غیره. به زبان ساده تر یعنی اینکه همین قراردادهای نامربوط و پا در هوا و کارفرما پسند هم برای سرمایه داران سود کافی رو نداره میخوانند کار رو کنتراتی کنند. آیا الان در ایران خودرو کار کنتراتی هست یا نه؟

**کارگر مهرکام پارس:** این بی شرفها اول آدمو میکشن بعد محاکمه اش می کنند! خیلی جالبه! میگه میخوایم کار رو کنتراتی کنیم همین الان در همین مهرکام خودمان دعوا بر سر قطعه کاری و کار کنتراتی است. اینها مثلاً با ما قرار داد بسته اند. قرار دادی که نه سرش معلومه نه ته اش! قراردادی که نه ساعت کارش، نه مدتش، نه دستمزدش و نه هیچ چیزش معلوم نیست. قرار داد سفید و نوشته نشده فقط در پایین یک برگه سفید از ما امضای بردگی گرفته اند. الان عملاً در بسیاری از قسمتهای خط تولید ایران خودرو کار به روش کنتراتی و قطعه کاری کشیده شده است. مثلاً به قسمت داشبرد سازی میگویند باید در 12 ساعت 560 قطعه کار رو تحویل دهید. حالا تو بیا و بگو این کار نمیشه، و اگر این فرمان سود و جنایت اجرا نشه، کارگر تنبل و بیکاره و بی خدا است، به درد

نمیخوره و بهتره از کار و زندگی و همین چندرغاز درآمد ساقط بشه! تا خانواده اش به فقر و بیماری و تن فروشی و هزار مصیبت دیگه گرفتار بشن. میدانی من فکر میکنم همین الان در خیلی از جاها و مراکز صنعتی شرایط بدتر از کار کنتراتی هم هست. ولی میدانید وقتی علناً میان و میگویند میخوایم کار رو کنتراتی کنیم، این یعنی کیسه گشادتر و بزرگتری برای چاپیدن ما دوخته اند.

**کامران پایدار:** میخوانند یارانه ها رو بردارند، میخوانند همه چی گران بشه، میخوانند کار را کنتراتی کنند و افزایش دهند. فکر میکنی چه هدفی دارند؟

**کارگر مهرکام پارس:** ببین عزیز، این دیگه نیاز به خیال و فکر نداره، همه ما رو بیچاره کرده اند. میخوان بیچاره تر مون کنند. گفتم این آخوندهای مفتخور، این سرمایه دارای نو کیسه ای که تا دیروز همشون پاسدار کمیته چی و آدمکش بودند، این وزیر وزرای مفتخور و کار چاق کن شان، کل این حکومت اسلامی همانطور که گفتم برای نزدیدن نان شب خانواده هایمان جیب گشاد و بزرگی دوخته اند. اشتباهشان هم سیری نداره. اینطوری از یک طرف حسابهای بانکیشان را پرتتر میکنند از طرف دیگر ما را که غرق فقر و نداری و هزار محرومیت هستیم گرفتارتر میکنند. ببین مثل تشنگی هست میگه گریه سر و چشم میخواد و عروسی دل و دماغ! نکته اینجاست میخوانند آنقدر گرسنه مان کنند، آنقدر مفلوک و ناتوان باشیم که وقت سر خواراندن هم نداشته باشیم چه برسه به فکر حکومت و سرنوشتی و سقوط اینها باشیم! اما ببین این فکر آخوندها و حکومتها، آخه مگر شکم گرسنه این حرفها حالیشه؟ منی که بچه ام در تب میسوزه و پول دارو درمان ندارم، مگر میتونند منو امثال منو که 70 میلیونیم دست به سر کنند؟ نه، این شدنی نیست. میدانی اینها هدفشون اینه که با این

## کارگران و حذف

### سوبسیدها ...

کارها چند روزی مرگ شونو عقب بیاندازند.

**کامران پایدار:** آیا دستمزدها را به موقع پرداخت میکنند، راضی هستید؟

**کارگر مهرکام پارس:** آره چند ماهی میشه در پایان هر ماه دستمزدهای 300 هزار تومانی را مرتب به حسابمان می ریزند فعلا. این روال منظمه ولی آیا با 12 ساعت کار روزانه کنتراتی!! با تن و روان آش و لاش، با 300 تومان در جیب و چندین سر عائله، با بیش از فقط 300 تومان کرایه خانه در ماه میشه راضی و خوشحال بود؟ مگه این معما را آخوندها و احمدی نژاد قائل حل کنند.

**کامران پایدار:** چند وقت پیش ها بحث جابجایی و برکناری کیانمهر مدیر مهر کام بود. داستان به کجا کشید؟

**کارگر مهرکام پارس:** آره بحث برکناری کیانمهر به دلیل دزدیهای میلیاردی اش بوده و هست. میگن به بعضی از باندهای بالاتر حکومتی درست حق و حساب نرسانده! حالا دستش رو شده. فعلا اوضاع متزلزلی داره. فکر میکنم فعلا با بند بازی خودشو نگه داشته اما این مهم نیست. ماندن و رفتن کیانمهرها ارزش و اهمیتی برای ما کارگران ندارد. گفتم اینها همشون از اون پاسدار کمیته چی ها و آدمکش های سا بق اند. سر و دم همه شان به این حکومت اسلامی وصله. میدانی کل این حکومت فاسد و دزد باید بره، کل این حکومت منفور اسلامی ریشه همه مشکلات ماست.\*

## سرکوب وحشیانه کارگران اعتصابی راه آهن تهران!

بنا به خبر دریافتی، از اولین ساعات دیروز شنبه ششم آذر ماه بیش از 1000 نفر از کارگران بخشهای مختلف راه آهن بین شهری تهران، در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه دستمزدهای معوق، دست از کار کشیده و در محوطه سایت راه آهن واقع در میدان راه آهن تهران دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض خواهان حضور مسئولین و جوابگویی آنها و دریافت فوری دستمزدهایشان بودند. اما "صاحب محمدی" مدیر راه آهن و دیگر همدستانش که از اعتصاب و اعتراض کارگران بشدت ترسیده بودند از حضور در مقابل کارگران و دادن هر جوابی ظفره رفتند. در این میان عوامل جاسوس حراستی کوشیدند با توسل به تهدید و انواع حربه ها کارگران را متفرق نمایند اما این ترغندها هم نتیجه نداد. با پایان گرفتن ساعت کار اداری کارگران همچنان به تجمع و اعتصاب خود ادامه دادند با اینحال از جانب مسئولین راه آهن هیچ جوابی به کارگران داده نشد.

در ساعت 30/7 شب طی هماهنگی صاحب محمدی و حراست از ارگانهای سرکوبگر حکومتی درخواست کمک نمودند که بلافاصله صدها نفر از مزدوران موتور سوار پاسدار و بسیجی و پلیس ضد شورش که به انواع سلاح سرد و گرم و تجهیزات مجهز بودند به محل اعزام شدند. پاسداران و پلیس ضد شورش بطرز وحشیانه ای به ضرب و شتم و کتک کاری و بازداشت کارگران پرداختند. درگیری و سرکوب کارگران تا حوالی ساعت 9 شب ادامه داشت. 20 نفر از کارگران توسط عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل شده اند. "جرم" کارگران فقط درخواست دستمزدهای ناچیزی است که ماههاست از جانب سرمایه داران و حکومت اسلامی به تراج رفته است.

لازم به یاد آوریست در آبان ماه گذشته نیز بیش از 100 نفر از کارگران منطقه اسلام شهر دست به اعتصاب قدرتمندی زدند که عوامل کارفرما در هراس از تعمیق و گسترش اعتصاب به سایر قسمتها 2 ماه دستمزدهای معوق مرداد و شهریور ماه را به حساب کارگران واریز نمودند.

آزادی فوری و بیقید و شرط کارگران دستگیر شده، دریافت فوری دستمزدهای معوق، واریز حق بیمه ها و اعتبار یابی دفترچه های خدمات درمانی، آزادی هر گونه تشکل و اعتراض و اعتصاب، افزایش دستمزدها مطابق با هزینه های زندگی، پرداخت دستمزدهای دوران اعتصاب، امنیت شغلی و بر چیدن بساط کار قراردادی و شرکتهای انگل پیمانکاری، و 5 روز 6 ساعته کاری در هفته از جمله خواستههای کارگران راه آهن است.

### رفقای کارگر!

این جمهوری اسلامیت با همه گند و کثافت و ماهیت ضد کارگری که امروز اینچنین وقیحانه در برابر ما ایستاده است. دستمزدهای ناچیزمان را بالا می کشند، میگوئیم دستمزد ما را بده اما بجای آن اوباش و آدمکشان اجبر شده با پولهای خودمان را میفرستند تا سرکوبمان کنند! برایمان زندان ساخته اند که کارگر اعتصابی و معترض را زیر شکنجه ببرند و برایمان پرونده سازی کنند. تازه این همه داستان نیست. حضرات خواب آشفته تری برایمان دیده اند. میخواهند با حذف سوبسیدها و یارانه ها به ثروتهای سرگیجه آور و نجومی بیشتری برسند و زندگی ما را از این که هست برایمان تاریک تر و تلخ تر نمایند. اما در مقابل این توحش سرمایه داران اسلامی ما کارگران دستگاه سرکوب نداریم و لازم هم نداریم. قدرت ما فقط در اتحاد و اعتصاب ماست. این قدرت است که میتواند کمر این جلادان را بشکند. مرتباً مجامع عمومی مان را برپا داریم و به قدرت اتحاد و اعتصابات سراسری خود این جانیان دزد و قاتل را مجبور به عقب نشینی نمائیم.

حزب از اعتصاب پرشور کارگران راه آهن و مطالبات آنها حمایت میکند و سرکوب کارگران اعتصابی توسط اوباش سرکوبگر اسلامی را قویا محکوم میکند. کارگران راه آهن باید با اشکال متنوع و مستمر در دفاع از مطالباتشان و بویژه آزادی فوری همکارانشان تلاش کنند. ضروری است بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران و جهان به این سرکوب وحشیانه کارگران گرسنه اعتراض کنند.

در حال حاضر بیش از 2000 نفر کارگر که تعدادی طرف قرارداد خود راه آهن و تعدادی طرف قرارداد شرکت های انگل پیمانکاری از قبیل رازمان کبیر و ... میباشند دستمزدهایشان از 2 تا 7 ماه معوق شده و هم اکنون تعداد زیادی از کارگران و خانواده هایشان بعلت عدم واریز شدن حق بیمه هایشان از جانب کارفرما از دفترچه های خدمات درمانی نیز محرومند. زنده باد اعتصاب متحدانه کارگران راه آهن تهران. کارگران دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

7 آذر 1389 - 28 نوامبر 2010

## شما نمونه خشونت اید!

در حاشیه نامه زهرا رهنورد

شهلا نوری



یکطرف 30 سال مبارزه مردم آزادیخواه و برابری طلب جهت رفع تبعیض جنسیتی و آزادی زندانیان سیاسی را به حساب جنبش سبز اصلاح طلبان حکومتی ریخته است و از طرف دیگر این تصویر را میدهد که گویا در این 30 سال ایشان در سنگر مبارزه علیه رفع تبعیض به زنان بوده است؟!

خانم رهنورد! البته برای امثال شما با این کارنامه ضد زن این خودش پیشرفت است که علنا از چماق کشی علیه زنان در خیابان و دانشگاه نتوانید دفاع کنید و حتی زست مخالف بگیرید. اما چه کسی هست که نداند شما نمونه خشونت اید؟ امثال شما در دانشگاهها خرافات اسلامی و ضد زن را تبلیغ میکنید و چماقداران خیابانی هم آن را اجرا میکنند. همه شما عضو این نظام بودید و هنوز هم هستید و خود را دلسوز آن میدانید. کسی که با علم به این همه جنایت و اطلاع دقیق از جنایات مخوف توسط اعضای این نظام، برای چنین نظامی دلسوزی میکند، هرچه باشد نمیتواند طرفدار حقوق زنان باشد. چنین کسی در بهترین حالت کسی است که تاجر و هنر توجیه تاجرش را میفروشد و در خدمت ارتجاع سیاسی قرار میدهد. آنوقت ها که زنان مبارز را به اتهام "محارب" و "اقدام علیه امنیت ملی" دسته دسته سلاخی میکردند، حضرت خانم همراه حضرت نخست وزیر وقت داشتند چای و شیرینی پشت جنایات نظامشان را میل میکردند.

مشغله واقعی رهنورد و همفکرانش نجات اسلام و حکومت

دستاوردهای مهم شما در مسیر مستقر کردن حکومت ضد زن اسلامی بود. نباید فراموش کرده باشید که زنان در ایران اولین قربانیان اسلام سیاسی و دستجات تروریست اسلامی بودند. بعید است یادتان نیاید که دسته جات کمیته ای، بسیجی، سپاهی به همراه آنان که امروزه تحت نام لباس شخصی این رژیم سیاه را نمایندگی می کنند، با تیغ کشیدن بر صورت زنان ارتجاع اسلامی و آپارتاید جنسی را بر زندگی مردم و زنان تحمیل کردند و شما فعال و شریک این روند سیاه بودید.

با اینحال رهنورد علاقه دارد سفره خودش را جدا کند و در ادامه مشاعره با رئیس قوه قضائیه میگوید:

"اما این بار و این سالها علاوه بر آن همه مصائب محنت آفرین خشونت سیاسی و نظامی به زنان، برگ جدیدی ست که بر این کتاب قطور افزوده شده است. زنانی که به جرم آزادیخواهی، دموکراسی طلبی، حمایت از حقوق زنان و کودکان و فعالیت علیه تبعیض جنسیتی و فعالیت برای تصحیح قوانین ناقص و یا غلط خانواده که فرسنگها از دین و دنیای مدرن دور است، طرفداران حقوق بشر، به جرم روزنامه نگاری، به جرم دفاع از حق تحصیل، به جرم های ساختگی و من درآوردی و اتهامات قومی، فکری و اعتقادی و تهمت و افترا و پرونده سازی و به جرم سوال رای من کجاست به جرم سوال فرزند من کجاست؟ گرفتار خشونت سیاسی شده اند".

زهرا رهنورد که در جمع زنان مرتجع اسلامی با سرعت بیشتری از پله های ارتجاع بالا رفت و به دریافت درجاتی در صف شاگردان "امام خمینی" مشرف شد، حتما فراموش نکرده که صدها زن با خشونت سیاسی و نظامی در زمان نخست وزیری میر حسین موسوی با همکاری همین اوباش اسلامی در زندانهای رژیم اسلامی زندانی و اعدام شدند. او با تکیه به شارلاتانیزم اسلامی و بازاری، از

بود در ایران روزی را بعنوان روز مقابله با خشونت علیه زنان تعیین کنیم، هزاران برابر واقعه دومینکن فاجعه داشتیم. و اینها البته تاریخ حکومتی است که رهنورد عضو آن است و شخصا همراه سرانش در اعمال خشن ترین آپارتاید علیه زنان سهیم بوده است.

رهنورد بعنوان "دلسوز ملت ایران" لاریجانی را خطاب قرار میدهد. "دلسوز ملت" اسم رمز است. کد جناح اصلاح طلب خطاب به جناح اصول گرا است، معنی انتقاد درباری را دارد، و حامل پیام هشدار به فروپاشی کل رژیم است. زهرا رهنورد هنوز هم امیدوار است که تا دیر نشده، جناح مقابل به دلسوزیهای مادرانه امثال او گوش کند.

رهنورد با اشاره به تبعیض علیه زنان می گوید: "البته به طور معمول، همیشه ما زنان از تبعیض های متعدد خشونت آفرین در زمینه های فرهنگی، حقوقی و ارزشی در سطح جامعه و خانواده رنج برده ایم و این جانب از سی سال پیش یعنی آن زمان که قلم به دست گرفتم و با مصائب زنان آشنا شدم، تبعیض ها، اجبارها و خشونت های جنسیتی را متذکر شده ام."

نخیر خانم رهنورد، نکند فراموش کردید که خود در مقطع انقلاب 57 "حجاب عفاف و عصمت" اسلامی را به سر کشیدید و یکی از نظریه پردازان تبعیض جنسیتی بودید! تحمیل حجاب اسلامی به کودکان دبستانی یکی از

زهرا رهنورد به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان نامه ای سرگشاده در باره زنان مبارز ایران، خطاب به لاریجانی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی نوشته است. با اشاره به نکاتی از این متن تلاش خواهم کرد گذشته و حال و آنچه را که زهرا رهنورد برای آینده زنان ایران متصور شده است را مروری کنم.

نکته کلیدی این بحث اشاره به همزمانی "عید غدیر" با "روز جهانی مبارزه با خشونت بر زنان" است. او با تاکید به همزمانی عید مسلمانان با روز 25 نوامبر به اصولگرایان گوشزد می کند که در راه حفظ اسلام و رژیم اسلامی چاره ای نیست مگر آنکه او را به عنوان یکی از پیشقراولان تطابق دموکراسی و احکام اسلامی برسمیت بشناسند. زهرا رهنورد که شاگرد ممتاز مدرسه "امام خمینی" بوده و کلی کاغذ و کتاب در تبیین اسلام سیاسی و هنر اسلامی سیاه کرده است، تحت عنوان یکی از مفاخر فرهنگی رژیم اسلامی به ریاست دانشگاه "زنانه" الزهرا (دانشگاهی که خود نماد برجسته آپارتاید جنسی حاکم بر جامعه است) منتصب شده و تا همین اواخر به پیشبرد امر سیاست جداسازی زن و مرد ادامه میدهد، توضیح نداده که با کدام چسب می خواهد روز مبارزه با خشونت بر زنان را به عید مسلمانان بچسپاند؟

خانم رهنورد مثل هر آخوند دیگر، خوبست یادش باشد که منشا 25 نوامبر قتل آن سه خواهر دومینکنی و فعال حقوق زنان توسط مردسالارها و عقب مانده هائی چون برادران و خواهران حکومتی ایشان بودند. اگر قرار

برای شهلاهای جاهد مرگ به دنبال خواهد داشت.

آیا می بایست در شبانگانهایی دیگر بیدار ماند و منتظر بر اعدام ها و قتل هایی دیگر بود و اینکه چند ساعت دیگر چند زن مرد و جوان دیگر به چوبه دار آویخته می شوند؟ هزینه از میان برداشتن حکومتی که مسبب تمام این جنایات سازمان یافته است به مراتب کمتر است از این که هر روز شاهد قتل، اعدام، سنگسار، بی حقوقی زنان و مردان، و گرسنگی میلیون ها کودک و پابرهنه باشیم. امروز شهلا جاهد است که به قتل می رسد و فردا سکینه محمدی و صدها زنی که در نوبت برای کشتن اند.

اکنون هر چه بیشتر آشکار است که حکومت سرمایه داران از هراس قیام کارگران و تپی دستان، از هراس به میدان آمدن دانشجویان با شعارهای نه به فقر و گرسنگی، نه به اعدام و سنگسار، بلکه برای آزادی و برابری و حکومت کارگری، شتاب آلود برنامه به دار آویختن شهلا جاهد را به اجرا گذارده است. اما این در عین نمایش ددمنشی نشان ضعف حکومت اسلامی سرمایه داران است. دولتی که نفس های آخرینش بوی خون می دهد و چنانچه به زیر کشیده نشود می بایست شاهد جنایات بیشمار دیگری باشیم.

به عنوان عضوی از حزب اتحاد کمونیسیم کارگری نهایت همدردی ام را با خانواده شهلا جاهد اعلام می کنم.\*

## شهلا را کشتند!

پدرام نو اندیش

هزاران زن ستمدیده ایرانی دیگر به قربانگاه بفرستند و به قتل برسانند. هوا هنوز چون دل دژخیمان سیاه و تاریک است. شهلا در پای چوبه دار است. دژخیم طناب دار بر گردن شهلا می اندازد. گردن شهلائی که خم نشد و همچنان در آخرین لحظات نگاهش تیز و گزنده می نماید.

شهلا اخبار حمایت جهانی را در دفاع از خود و هم سرنوشت هایی چون خودش شنیده است و بسیار امیدوار که این فریادهای نه به اعدام و نه به سنگسار جهانیان او را از چنگال مرگ برهاند. حتی تا آخرین لحظات این امیدواری در نگاه های آخرینش موج میزند. کاش زنده بماند و ببیند با به زیر کشیده شدن حکومت سرمایه داران اسلامی بساط اعدام و آدم کشی نیز بر چیده می شود. بساط سنگسار و خرافه بر چیده خواهد شد.

ساعت 4.45 دقیقه است و هنوز از رهائیش خبری نیست و گره سفت طناب است که گردنش را می آزارد. جانان اسلامی هنوز مصمم به کشتن شهلا جاهد هستند. برای شهلا زمان چقدر تند سپری میشود اما جانان اسلامی شتاب در کشتن شهلا را دارند. این شمارش معکوس برای انسان های شریف و باوجدان درد آور است آنچنان که

خواب به چشمش نمی رود. همچنان به ساعت نگاه می کند. ساعت 4.15 دقیقه بامداد روز دهم آذر ماه است. رو به دوستش می کند. تا دقایقی دیگر شهلا را خواهند کشت. تا دقایقی دیگر حکومت سرمایه داران اسلامی در مقابل چشم دنیا، در حالی که مجازات اعدام در بسیاری از کشورها لغو شده است، دست به جنایت دیگری خواهد زد و شهلا جاهد را به قتل خواهد رساند. رسانه ها خواهند نوشت "شهلا جاهد قصاص شد" و بعد از لحظاتی خبر افزایش یا کاهش سود فلان شرکت سرمایه دار است که جای آن را خواهد گرفت.

ساعت 4.30 بامداد است و شاید اکنون صدای قدم های آخرین شهلا جاهد است که سالن زندان را ترک میکند. صدای قدم های لرزان شهلائی که می داند برگشتی برایش نیست و انسان هایی چون او قربانی نظام بردگی و جهل سرمایه داری اسلامی هستند.

دژخیمان اسلامی به تکاپو افتاده اند. می بایست هر چه بیشتر چهره کریه حکومت امام زمانی شان را به جهانیان نشان داده و شهلا جاهد را چون

## شما نمونه خشونت اید ...

اسلامی سرمایه است. یعنی برای تداوم این نظام ضد زن تلاش میکنند. ایشان تناقض عمیق ایدئولوژی اسلامی را با خواستهای مردم سرنگونی طلب و آزادیخواه تشخیص میدهند. نگران همین اند و به دوستان حکومتی اش هشدار میدهد. شما میتوانید هنوز مشغول وصله و پینه پروژه تطبیق اسلام و دمکراسی باشید. به هر حال امروز تحفه های دمکراسی در دنیا امثال کرزای و انواع مرتجعین اسلامی و قومی است. چرا شما نباشید. مشکل اینست که طرح شما برای نجات نظام را حتی برادران حکومتی هم جدی نمیگیرند و نگرقتند. زنان و نسل جدید و سوسیالیست و منزجر از اسلام که دیگر جای خود دارند.

خانم محترم، راه نجاتی برای عاملان و آمران رژیم اسلامی در کار نیست! عمر حکومت پوسیده اسلامی به پایان رسیده و تلاشهای نوع شما بدلیل تناقض عمیق نظامتان با تمایلات مردم به بن بست رسیده و شکست خورده است. زنان برای آزادی باید کل نظام ضد زن را ملغی کنند و قوانین اسلامی اش را به زباله دان بریزند.\*

27 نوامبر 2010

## اعدام نه!

دهها زن و مرد و کودک در ایران زیر حکم اعدام قرار دارند. اعدامهای دسته جمعی مخفی در زندانها ادامه دارد. علیه اعدام بپا خیزیم! اعدام قتل آگاهانه دولتی با نقشه قبلی است. مجازات اعدام باید لغو گردد. جامعه ای که اعدام میکند برای زندگانش هم ارزشی قائل نیست. جامعه آزاد و برابر نیاز به اعدام و آدمکشی ندارد.

برابری بدون  
قید و شرط زن  
و مرد در تمام  
شئون  
اجتماعی!

## "واقع بینی" زهرا رهنورد

سوسن علمی

دور است مبارزه میکنند. این است واقع بینی شما؟

این قوانین که زنان به اصل و کلیت آن اعتراض دارند، و نه در پی حفظ و اصلاح آنند، اتفاقا کاملا بر گرفته از دین و بر پایه اصول و قوانین اسلامی عصر حجری دینی بنا شده و البته فرسنگها از قوانین جاری دنیای مدرن فاصله دارد و درست به همین دلیل که از اسلام بر گرفته شده قوانینی کاملا زن ستیز و مردسالارانه است. آیا شما که به گفته خودتان "سالهاست دستی بر قلم دارید و با مسایل زنان آشنا هستید" ماهیت ضد زن این قوانین را نمی شناسید؟ چرا می شناسید اما خواهان آن هستید.

مردم ایران گرفتار خشونت دین اسلام و حکومت اسلام سیاسی هستند که جمهوری اسلامی درست با تاکید همان "ایده آل انقلاب اسلامی" مورد علاقه شما بنا کرده و اوج خشونت آن اتفاقا در همان دوران نخست وزیری میر حسین موسوی همسر شما بود. یادتان رفته برای تحمیل حجاب و سرکوب زنان آزادیخواه چه جنایاتی کردید؟ آیا کشتار دهه 60 یادتان رفته که طی آن با تیغ اسلام هزاران آزادیخواه را به جرم "محارب" قتل عام کردید؟ آنروزها نقش خود شما علیه زنان آزادیخواه چه بود؟ مگر شما نبودید که در متن قتل عام آزادیخواهان و مخالفین سیاسی در دوره صدرات همسرتان مقام و منصب کسب میکردید؟ چرا آنروزها یاد ما زنان آزادیخواه نیافتادید؟ ممکن است توضیح دهید؟

انتظار واقع بینی داشتن از حکومت اسلامی مورد ندارد چون اسلام با واقعیت زندگی انسانی کلا بیگانه است. خانم زهرا رهنورد اما اخیرا در نامه اش به لاریجانی از واقع بینی سخن گفته است. رهنورد در نامه به لاریجانی رییس قوه قضاییه بی اختیار بودن و غیر مستقل بودن قوه قضاییه را توجیه کرده و بر "دست بسته بودن قوه قضاییه و اعمال قدرت و نفوذ سپاه پاسداران" تاکید کرده است. گویا قبلا قوه قضاییه مستقل بوده، قوه مجریه یا مقننه مستقل بوده! گویا همسر ایشان در دوران صدارتش حرف شنوی "امام" نبوده تا حالا دیگران مطیع فقیه خامنه ای نباشند! اگر بی اختیار بودن سران قوا را که امروز هر کسی میداند "واقع بینی" زهرا رهنورد و همردی خانوادگی اسلامی بحساب بیاوریم، اما انتساب ایده آلهای اسلامی به مردم ایران، که رهنورد از آنها بعنوان "تاکید انقلاب اسلامی" یاد میکند، اوج قلب واقعیت است. اگر ایده آل شما قرار گرفتن امور در مجاری قانونی یعنی همان قوانین شریعه و اسلامی است که "تاکید انقلاب اسلامی" (ضد انقلاب اسلامی) بر آن است که هم اکنون امور در همین مجاری در جریان است! اتفاقا در این دوره بیش از هر زمان دیگری لشکر و سپاه اسلام به زور قمه و اسلحه و شلاق و سنگسار و اعدام قوانین اسلامی را اجرا میسازد.

معلوم نیست شما که خود از مدافعین حجاب اسلامی این اولین و بزرگترین نماد تبعیض جنسیتی و اعمال خشونت بر زنان در جامعه هستید، چگونه دم از دفاع از زنان آزادیخواه و فعالین علیه تبعیض جنسیتی میزنید! خود را مدافع زنانی می نامید که جهت تصحیح قوانین خانواده که "فرسنگها از دین و دنیای مدرن

امروز نیز هم چون گذشته سی ساله جمهوری اسلامی کسانی که از آزادیخواهی و برابری طلبی سخن گوید، کسانی که قوانین ارتجاعی اسلام را زیر سوال میبرند، کسانی که حاضر نیستند طوق لعنت اسلام را به گردنشان ببندازند، "محارب" و عمل آنها "اقدام علیه امنیت ملی" محسوب میشود. این زبان مشترک کل حکومت اسلامی در طول حیات خونین اش بوده است. اما چرا شما اکنون به صرافت افتاده اید شبهه اعتراض قانونی کنید، عجیب است!

سیاهه ای که اکنون از این همه خشونت علیه زنان پیش روی شما است، سالیان درازی است که بصورت مفصل آن پیش روی انسانهای آزادیخواه بوده و این سیاهی در زندگی واقعی مردم جاری بوده و میلیونها زندگی را نابود کرده است. تصور میکنید در جامعه ای که زنان تنها به خاطر دیده شدن تار مویشان یا وضعیت لباسشان به جرم "بد حجابی" با خشونت راهی بازداشتگاه و مستحق همه نوع تحقیر و توهین می شوند، به راحتی بتوانند در شغل روزنامه نگاری کلامی در جهت آزادیخواهی و برابری طلبی و علیه تبعیض جنسیتی بنویسند و یا وکالت فرد آزادیخواهی را به عهده بگیرند؟ بدون این که مستحق زندان و تجاوز و اعمال خشونت باشند؟! میبینید تنها چیزی که نمیشود در شما سراغ گرفت همان "واقع بینی" و پایبندی به حقیقت است.

زندانی که سه دهه است جمهوری اسلامی برای مردم و به خصوص زنان ساخته است با دلسوزی های نوع شما که خود در ساختن این زندان و دفاع از آن نقش داشتید تبدیل به گلستان خواهد شد. این سلطه و زور است و باید با زور ملغی شود. تا زمانی که سودای ذهنی شما وهمپالگی های شما نظام اسلامی است، و با قدرت سر نیزه و



کهریزک و ایجاد خاوران ها از منافع تان دفاع میکنید، و تا زمانی که جامعه با نیروی کافی برای برچیدن شماها اقدام نکرده است، روزگار مردم چنین است که تاکنون بوده است. اما این بار، شاید بدلیل منافع شبه اپوزیسیونی تان، کمی واقع بین هستید و می دانید که ایده آل ارتجاعی و مردم تفاوت دارد. به همین خاطر در هراس از دست دادن سوداهایتان که همانا قدرت طلبی و سهمی داشتن از قدرت است، و با هدف چرخش قدرت به سمت فامیل و یاران اصلاح طلب اسلامی تان، ناگهان "دلسوز" مردم ایران گشته اید و به صرافت نامه نگاری درون خانوادگی با رئیس قوه قتل و اعدام افتاده اید.

اما بخودتان بیخود زحمت ندهید. مردم به پا خاسته و آزادیخواه جمهوری ضد زن اسلامی را در هیچ شکل و شمایلش نمیخواهد. تا جمهوری اسلامی هست امکان ندارد شاهد از بین رفتن تبعیض جنسیتی باشیم. زن ستیزی و نادیده گرفتن حقوق زنان بنیاد شریعت اسلام است. زنان آزادیخواه خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و الغای نظام آپارتاید جنسی اند و به کمتر از برابری بیفید و شرط زن و مرد در تمام شئون زندگی اجتماعی رضایت نمیدهند.\*

## زنده باد آزادی زن!

به نقل از: سایت سندیکای کارگران شرکت واحد

## علی اکبر نظری بازداشت شد

علی اکبر نظری راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و یکی از اعضای عادی سندیکای کارگران شرکت واحد، بر اساس احضار تلفنی که از طرف شعبه دوم ویژه امنیت انجام گرفته بود روز دوشنبه به این دادسرا مراجعه و با صدور قرار کفالت 10 میلیون تومانی بازداشت و به قرنطینه زندان اوین منتقل می شود.

آقای نظری بعد از بازداشت طی تماس تلفنی که با یکی از همکارانش برقرار می کند از انتقال به زندان اوین و مورد اتهامی جعل عنوان نام می برد.

در حال حاضر 4 نفر از اعضای سندیکا به نام های رضا شهابی، ابراهیم مددی، مرتضی کمساری و علی اکبر نظری در زندان اوین و غلامرضا غلامحسینی در زندان رجایی شهر در بند می باشند.

اخبار تکمیلی متعاقباً اعلام می شود

9 آذر 1389

## کارگر زندانی،

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## کتاب

## کنترل کارگری

را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!

## شرکت نفت و گاز

آرایش نظامی، تسویه کارگران

همانطور که در اطلاعیه های قبلی اشاره کردیم، در هفته گذشته رژیم اسلامی دست به آرایش سرکوب جدیدی برای کنترل پروژه تغییر قیمت گاز و اجرای طرح حذف یارانه ها زده است.

بنا به خبر، اولاً کل کنترل قضیه را از دست حراست و نیروی انتظامی خارج و مستقیماً به دست نیروهای بسیج سپرده اند. این به این معنی است که بسیج با استفاده از حکم ضابط قضایی مستقیماً حق شلیک گلوله در اعتراض های احتمالی خیابانی را دارد.

دوما وزارت اطلاعات که از چند ماه پیش دست به تسویه "عوامل مسئله دار" در شرکت گاز و نفت زده بود، و عموماً گردن کارگران پیمانی و قراردادی را می گرفت، به این طرح سرعت بیشتری بخشیده است. وزارت اطلاعات مستقیماً وارد عمل شده و در یک دستور العمل روی کارگرانی که با رژیم کوچکترین مشکلی در گذشته داشته اند دست گذاشته و مستقیماً با اسم و فامیل از کارگزینی خواسته این کارکنان را اخراج کند. هر نوع ممانعت کارگزینی برای خود آنها عواقبی دارد.

جمهوری اسلامی از وحشت قیام گرسنگان و مردم ناراضی علیه فقر و اختناق، تمام ظرفیت سبعیت و سرکوب خود را بکار گرفته و هارترین های نهادهاش را در "راس امور" قرار داده است. با راه انداختن طرح تسویه کارگران بدلیل "جرم سیاسی" قصد دارند همان طرح کثیف سال 60 برای اخراج و یکدست کردن محیط کار و پر کردن آن با عوامل خودی برای مقابله با خطرات احتمالی را اجرا کنند.

سوال اینست که میشود جامعه ای را هم در گرسنگی و فلاکت نگهداشت و هم بسوی شان شلیک کرد و هم سر کار ماند؟ پاسخ این سوال منفی است و این را جمهوری اسلامی خوب میداند. برای همین است که جناح حاکم شان هر روز علیه کارگران و مردم چنگ و دندان نشان میدهد و جناح مغلوب شان از پیش هر اعتراض کارگران علیه فقر را "ساختگی" نام گذاشته است. بزعم جناح حاکم اعتراضات و شورش های احتمالی "فتنه اقتصادی" است و سر نخ آن دست موسوی ها است و بزعم جناح مغلوب نباید گول اعتراضات جنبش "سرخ" و "ساختگی" دست جناح حاکم را خورد. این وحشت دو جناح از کارگران و این تصویر از کارگران بعنوان آلت دست جناحها دلیل روشنی دارد:

وقتی کارگران به صحنه بیایند جایی برای جریانات متفرقه مدافع اوضاع موجود نمی ماند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

8 آذر 1389 – 29 نوامبر 2010

## برای توقف اعدامها همین امروز اقدام کنید!

در پی فراخوان واحد هلند حزب اتحاد کمونیسم کارگری روز سه شنبه 30 نوامبر، تعدادی از فعالین حزب بعلاوه چند تن از کسانی که در مراسم شرکت کرده بودند در ساعت 13:00 تا 15:00 جلوی پارلمان هلند تجمع کردند.



در این تجمع صدها اطلاعیه به زبان انگلیسی در بین مردم پخش شد و شعارهای شرکت کنندگان بگوش نمایندگان پارلمان برای محکومیت رژیم اسلام سیاسی و بخصوص بر علیه اعدامهای اخیر رسانیده شد. همینطور نامه اعتراضی حزب به زبان انگلیسی علیه اعدام به میان مردم برده شد و از مردم حاضر و رهگذر در حمایت از آن امضاء جمع آوری شد.

در پایان اجتماع رفیق مجید پستچی بداخل پارلمان رفته و نامه اعتراضی از طرف حزب و امضاء کنندگان را تسلیم مقامات پارلمان هلند کرد و از آنها خواست که واکنش خود را رسماً اعلام نمایند. آنها نیز اعلام کردند که شما را از نتیجه برخورد پارلمان به این نامه اعتراضی مطلع خواهیم نمود.

متأسفانه امروز شهلا جاهد توسط جنایتکاران اسلامی اعدام شد. ماشین اعدام بیوقفه کار میکند و این ضرورت گسترش مبارزه برای لغو اعدام را تاکید میکند. ما مرتباً علیه این جنایات مبارزه خواهیم کرد اما اعلام میکنیم که متوقف کردن ماشین اعدام در گرو بزیار کشیدن حکومت اسلامی اعدام است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد هلند

10 آذر 1389 - 1 دسامبر 2010

**اعدام قتل عمد دولتی است! اعدام  
اسم دولتی آدمکشی است!**

اطلاعیه خبری

## خانه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در هلند

واحد هلند حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور تسهیل گردهمایی اعضای حزب و دوستاناران کمونیسم کارگری "خانه حزب" را در هلند سازمان داده است. جلسه بعدی ما روز جمعه 10 دسامبر خواهد بود. در خانه حزب ادبیات و نشریات حزب در دسترس می باشد. شرکت برای عموم آزاد است.

روز جمعه 10 دسامبر منتظر حضورتان هستیم.

زمان از 13:30 تا 16:30

مکان: Amsterdam 1013ZD

**Buurtcentrum de Horizon 50 -  
Zaandammerplein**

برای استفاده از اتوبوس شهری آمستردام - از سنترال استیشن آمستردام میتوانید از اتوبوس زیر استفاده کنید:

**Stadsbus 48**

**richting Station Sloterdijk**

**ایستگاه Westerdok**

بهتر است آدرس را به راننده نشان دهید تا در ایستگاه مناسب پیاده شوید. از ایستگاه تا پاتوق 3 دقیق پیاده روی دارد. کسانی که با ماشین خود میایند میتوانند از کد پستی 1013 ZD استفاده نمایند و پلاک 50 را وارد کنند.

برای هماهنگی با تلفن: 0627310932 جمال ارژنگ تماس حاصل نمایند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد هلند

23 نوامبر 2010

## جمالی ها

از قربانیان محیط نامن کار



جمالی ها کارگران پیمانکاری شرکت آرمان انرژی در عسلویه بودند. غلام جمالی، مسلم جمالی و صالح جمالی. این کارگران فامیل و سند بلاست کار بودند. 7 ماه پیش بود که جمالی ها در محیط کار قربانی شدند. اینبار قرعه شمشیر صرفه جوئی سرمایه در تامین ایمنی محیط کار بنام جمالی ها درآمد.

در این "حادثه" غلام جمالی جان باخت. مسلم جمالی و صالح جمالی از ناحیه فک و دست و پا شدیداً مصدوم شدند. در اینکه مقصر این فاجعه تماماً کارفرما و شرکت پیمانکار بوده و کمترین وسائل ایمنی برای کار با سند بلاست وجود نداشته است تردیدی نبود. با اینحال دادگاه این واقعه تلخ طی این 7 ماه و تا هفته پیش ادامه داشت. نهایتاً خانواده جمالی 55 میلیون "دیه" گرفتند و مصدومین مقداری هزینه درمان. غلام جمالی بدنیاال سانحه و بدلیل نبودن دستگاه ساکشن و خونریزی در ریه فوت کرد. منطقه عسلویه با این همه تجهیزات و پالایشگاه و شرکت، یک دستگاه ساکشن نداشت که در چنین شرایطی بتوان استفاده کرد و کارگر مصدوم را صد کیلومتر آنطرف تر به بیمارستانی رساند که امکانات لازم را داشته باشد. اگر این وضع مراکز جدید و مهم صنعتی ایران است دیگر حساب صنایع قدیمی تر روشن است. مجموعه صنعتی ایران خودرو و یا صنایع نفت با سابقه طولانی نمونه های دیگراند. صنایع متوسط و کارگاههای کوچک که دیگر جای خود دارند.

سرنوشت جمالی ها گوشه ای از سرنوشت روزمره طبقه کارگر در قصابخانه های موسوم به محیط کار در ایران است. بانیان قتل غلام جمالی و نقص عضو مسلم و صالح جمالی و صدها و هزاران کارگر در گوشه گوشه ایران و جهان، سرمایه داران و دولتهایشان هستند. مفت خوران و استثمارگرانی که از قبل کار طبقه ما زیست انگلی دارند، قدرت و جلال و

جبروت شان انعکاس وارونه قدرت طبقه ماست، به اعتبار کار طبقه ما و ثروتی که تولید کردیم "عالیجناب" و کسی شده اند، و گسترش سرمایه و سودشان نیز در گرو مایه گذاشتن از جان و زندگی طبقه ماست.

سرمایه داران علیرغم اردوی بردگی و جهنمی که در منطقه عسلویه راه انداخته اند هنوز راضی نیستند. هنوز در فکر ارزان تر کردن هزینه تولید و پروژه ها هستند. فقط در سال جاری، یعنی در هفت هشت ماه گذشته، حدود 20000 کارگر اخراج شدند. تقریباً همه این کارگران اخراجی کارگران پروژه ای بودند. بخشی از این نیروها را با استخدام فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد و با همان دستمزد 400 هزار تومان و کمتر جایگزین کردند.

اما هنوز این تمهیدات برای ارزان تمام کردن پروژه ها کفایت نکرده است. اوضاع اقتصادی حکومت اسلامی بدتر از اینهاست. بیشتر پروژه های عسلویه به نفس نفس افتاده است. یا تعطیل شدند و یا نیمه تعطیل اند و چشم انداز وخامت اوضاع و اخراجهای گسترده تر هر روز بیشتر میشود. این وضعیت البته ویژه عسلویه نیست، شرکت نفت هم همین وضعیت را دارد، ماشین سازیها و صنایع فولاد همینطور. در پالایشگاه نفت اصفهان هنوز نتوانسته اند پروژه اور- هال را که هر سال اواخر مهر آغاز میکنند حتی شروع کنند. کسری بودجه و تشدید بحران و فلج اقتصادی حکومت در مهمترین صنایع خود را بشدت بیشتری نشان میدهد. اولین نتیجه سیاست صرفه جوئی سرمایه داران و حکومت اسلامی شان به قتل رسیدن تعداد بیشتری از کارگران در قصابخانه های موسوم به "محیط کار" است.

برای تغییر اساسی این اوضاع طبقه کارگر باید متشکل شود و بعنوان پرچمدار آزادی جامعه بمیدان بیاید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

9 آذر 1389 - 30 نوامبر 2010

## رادیو ۲۴ ساعته "یک دنیای بهتر"

مشخصات رادیو ماهواره ای یک دنیای بهتر:

Satellite: TelStar 12 ,  
Transponder: 10 , Horizontal:  
QPSK 2/3 , Symbol Rate:  
19279

سایت رادیو:

<http://www.wupradio.org>

ای میل جدید رادیو:

wup1917@mail.com

"صدای کمونیسم کارگری" برنامه  
حزب اتحاد کمونیسم کارگری هر شب  
ساعت ۹ به وقت تهران از کانال رادیو  
یک دنیای بهتر پخش میشود.

به "صدای کمونیسم کارگری"، صدای کارگران کمونیست، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و نسل جدید، صدای متعهد به حقیقت و مقابله با خرافات و ارتجاع سیاسی، صدای مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی گوش کنید و شنیدن آن را به دوستانتان توصیه کنید.

## یا کار یا بیمه بیکاری!

کارگران شاغل و بیکار! متحدانه

علیه بیکاری بمیدان بیائید!

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!